

بحث:

پس از آنکه معنای وجوب را شناختیم، حال جای این سوال باقی است که آیا هیأت امر دلالت بر وجوب دارد؟ بحث را بر مدار فرمایش امام خمینی پی می گیریم.

حضرت امام می نویسد:

«إذا عرفت ما ذكر يقع البحث في أن هيئات الأوامر هل تدل على الوجوب أم لا؟ و على الأول: هل تكون الدلالة وضعية، أو بسبب الانصراف، أو لا هذا و لا ذاك، بل بمقدمات الحكمة تكون ظاهرة فيه، أو لا تحتاج إليها - أيضا - فيه أو أنها كاشفة عن الإرادة الحتمية الوجوبية كشفا عقائيا ككاشفية الأمارات العقلانية؟ و على فرض عدم وضعها للوجوب و عدم دلالتها عليه، فهل تكون حجة على الوجوب بحكم العقل و العقلاء أولا؟ وجوه.»^۱

توضیح :

۱. آیا هیأت امر دلالت بر وجوب دارد یا ندارد.
۲. اگر دلالت دارد: قول اول: آیا این دلالت ناشی از وضع است (حقیقت در وجوب).
۳. قول دوم: این دلالت ناشی از انصراف است (ظهور ناشی از انصراف)
۴. قول سوم: این دلالت ناشی از مقدمات حکمت است (ظهور ناشی از مقدمات حکمت)
۵. قول چهارم: دلالت محتاج به وضع، انصراف، مقدمات حکمت نیست بلکه ناشی از ظهور عقلایی است (کاشفیت عقلایی از اینکه امر اراده حتمیه دارد)
۶. و اگر دلالت ندارد (نه دلالت وضعی و نه ظهور)، آیا امر حجت عقلی یا عقلایی بر وجوب است؟

این مطلب را مرحوم آخوند در مبحث ثانی و مبحث رابع چنین مطرح کرده است:

«المبحث الثاني في أن الصيغة حقيقة في الوجوب أو في الندب أو فيهما أو في المشترك بينهما وجوه بل أقوال ... المبحث الرابع [في ظهور صيغة الأمر في الوجوب و عدمه] أنه إذا سلم أن الصيغة لا تكون حقيقة في الوجوب هل لا تكون ظاهرة فيه أيضا أو تكون.»^۲

توضیح :

۱. آیا صیغه حقیقت در وجوب (وضع) است یا حقیقت در استحباب است و یا مشترک لفظی بین آن دو است و

۱. مناهج الوصول إلى علم الأصول؛ ج ۱؛ ص ۲۵۰

۲. كفاية الأصول (طبع آل البيت)؛ ص ۷۰ / ص ۷۲

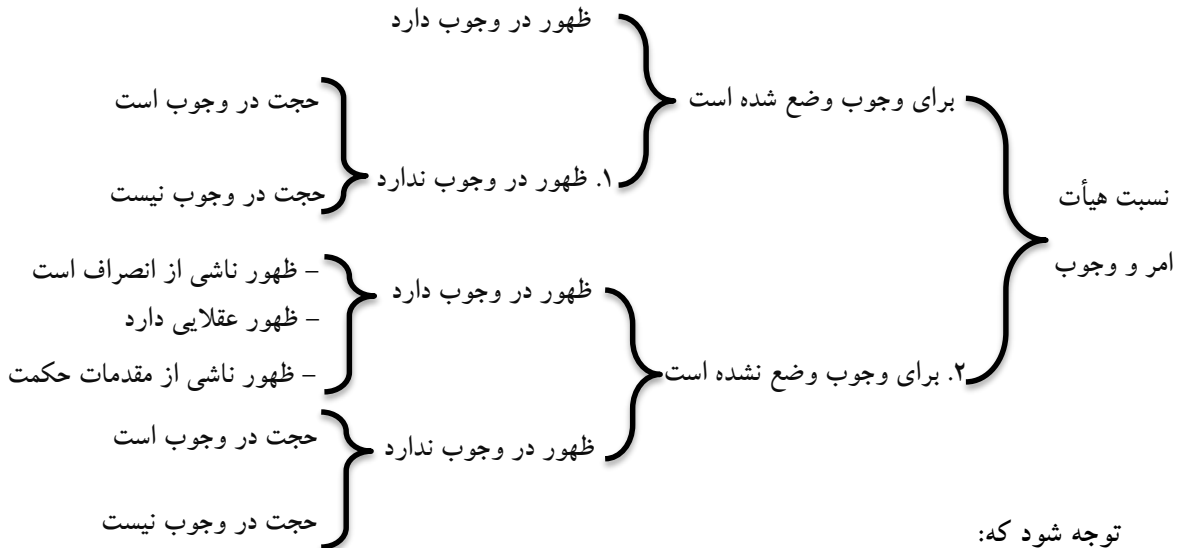


یا مشترک معنوی بین آن دو.

۲. و اگر حقیقت در وجوب نیست آیا ظهور در وجوب دارد یا خیر؟

ما می‌گوییم:

(۱) با توجه به آنچه خواندیم می‌توان بحث را چنین تقسیم بندی کرد:



توجه شود که:

الف) فرض ۱ در جایی است که هیأت برای وجوب وضع شده باشد و بس ولی در معنایی دیگر مجاز مشهور شده باشد، و یا به اشتراک لفظی، برای وجوب و استحباب وضع شده باشد ولی در معنای استحباب ظهور پیدا کرده است.

ب) فرض ۲ می‌تواند در صورتی باشد که هیأت امر برای استحباب وضع شده است و یا در صورتی که هیأت امر برای قدر مشترک وضع شده است.

مبنای اول:

هیأت امر فقط برای وجوب وضع شده است.

این قول به شیخ طوسی، محقق حلی، علامه حلی، صاحب معالم، حاجی، عضدی، بیضاوی، عبری، شافعی، غزالی،

ابوالحسین بصری، ابو علی جبایی، ابواسحق شیرازی و فخر رازی نسبت داده شده است.^۱

مرحوم سید مجاهد بر این مبنا ادله ای اقامه کرده است:

❖ دلیل اول:

۱. مفاتیح الاصول، ج ۱ ص ۱۱۰



«والمعتمد عندي هو القول الأول الذي عليه المعظم و لهم وجوه منها أن المتبادر من المفروض هو الوجوب فيكون حقيقة فيه مطلقا أما الأول فللقطع بأن السيد إذا قال لعبداه افعل مجردا عن القرينة فلم يفعل عد عاصيا و ذمه العقلاء معللين ذلك بمجرد ترك الامتثال و لو لا أن المتبادر من الصيغة الوجوب لما اتجه ذلك و أما الثاني فلما بيناه من أن التبادر دليل الحقيقة لا يقال لا نسلم المقدمة الأولى نعم ينصرف إطلاق المفروض غالبا إلى الوجوب و لكنه يحتمل كون ذلك من باب انصراف اللفظ الموضوع للمفهوم الكلي إلى فرد الشائع أو من باب انصراف اللفظ المشترك إلى المعنى الشائع و مثل هذا التبادر لا يدل على الوضع و لا يمنع من الاشتراك المعنوي و لا اللفظي كما لا يخفى لأننا نقول الأصل في ذلك أن يكون من باب انصراف اللفظ إلى المعنى الحقيقي و لو لا هذا الأصل لانسد باب التمسك بالتبادر على الحقيقة.»^١

